



An attitude towards the applications and defensive functions of the Quranic rule "Nefation of Mustache"

Mohammad Taqi Rokni lamouki¹

Abstract

The Holy Quran has valuable and practical rules to organize all areas of human life, which are called "Quranic Rules". Among these rules is the rule of "mustache negation" which has an effective nature in various fields such as defense. Failure to pay attention to such a capacity, in addition to losing the life-giving instructions of the Quran, causes errors in the decision-making of national and military officials. Since the Islamic government, on the one hand, claims to revive, implement and defend divine laws, and on the other hand, it is necessary to interact with the world, therefore, a deep understanding of the rule of "mustache negation" is essential. With this definition, the main question of this research is what are the uses and functions of the rule of "mustache negation" in the field of defense? The purpose of this article, organized in an analytical-citation method, is to examine the applications of the rule of "mustache negation" in some defense areas such as political, economic, cultural and military. The data of this research shows that "expansion of monotheism, protection of the rules of religion, the need to fight against enemies, defense of human rights, preservation of the dignity and independence of the Islamic society, prevention of oppression and corruption, revival of pure Islam" are some of the defensive functions used by The rule is "mustache negation". To prove the claim of this research, the words of the imams of the revolution will be cited.

Keywords: Quranic rules, negation of mustache, defense, Islamic government, Imams of the revolution

1. Assistant Professor of Imam Sadeqh Research Institute, Qom, Iran.
Email: rokni44@yahoo.com



۱۳۰

سال سی و چهارم

بهار ۱۴۰۴

صص: ۱۵۹-۱۸۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۳۶۵۴-۴۹۷۱

«سیاست دفاعی»

نگرشی به کاربردها و کارکردهای دفاعی قاعده قرآنی «نفی سبیل»

محمدتقی رکنی لموکی^۱

چکیده

قرآن کریم دارای قواعد ارزشمند و کاربردی برای سامان دادن به تمام ساحت‌های زندگی بشر است که «قواعد قرآنی» نام دارد. از جمله این قواعد، قاعده «نفی سبیل» است که ماهیتی اثرگذار در عرصه‌های مختلف همچون دفاعی دارد. عدم توجه به چنین ظرفیتی، علاوه بر از دست دادن دستورات حیات‌بخش قرآنی، موجب خطا در تصمیم‌گیری‌های کلان مسئولان کشوری و لشکری می‌گردد. از آنجایی که حکومت اسلامی از یکسو داعیه احیاء، اجرا و دفاع از قوانین الهی را دارد و از سوی دیگر لاجرم به تعامل با دنیا است، بنابراین، درک عمیق قاعده «نفی سبیل» امری ضروری است. با این وصف، سؤال اصلی این پژوهش آن است که کاربردها و کارکردهای قاعده «نفی سبیل» در عرصه دفاع چیست؟ هدف این نوشته که به روش تحلیلی - استنادی سامان‌یافته، آن است که کاربردهای قاعده «نفی سبیل» در برخی حوزه‌های دفاعی مانند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را بررسی کند. داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که «گسترش توحید، صیانت از احکام دین، لزوم مبارزه با دشمنان، دفاع از حقوق انسان، حفظ عزت و استقلال جامعه اسلامی، جلوگیری از ظلم و فساد، احیاء اسلام ناب» برخی از کارکردهای دفاعی مستفاد از قاعده «نفی سبیل» است. برای اثبات مدعا این پژوهش، به سخنان امامین انقلاب استناد خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: قواعد قرآنی، نفی سبیل، دفاع، حکومت اسلامی، امامین انقلاب.

۱. استادیار، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران. Email: rokni44@yahoo.com



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی برآمده از تعالیم اسلام، همواره داعیه تبعیت از آیات قرآن کریم را داشته است. این ادعا با مراجعه به سخنان، پیام‌ها و دستورات امامین انقلاب و نیز قوانین و مقررات بالادستی نظام، از جمله قانون اساسی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴) به خوبی قابل اثبات است. بر این اساس، شناخت و اجرای آیات و دستورات این کتاب آسمانی، زمینه‌ساز تحکیم بنیادهای انقلاب، پیروی از منویات امامین انقلاب و نیز اجراء قوانین بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، تطبیق شئون زندگی با قرآن و اجرا کردن احکام و دستورات قرآن در زندگی، نیازمند فهم قواعدی است که از آن‌ها با عنوان «قواعد قرآنی» یاد می‌شود. این قواعد، دستورالعمل‌های کلی است که قرآن کریم برای زندگی سعادت‌مندانه انسان تجویز کرده است و کاربرست آن‌ها موجب دستیابی به حیات طیبه خواهد شد. به نظر می‌رسد اگر از این قسم، تعبیر به اصول جاری در زندگی (بایدها و نبایدهای اندیشیدن و زیستن) تعبیر کنیم، بیراهه نرفته‌ایم؛ چراکه یکی از ویژگی‌های اصل، کلی بودن آن است. (سید نژاد و بخشیان، ۱۴۰۰، ص ۹)

امام خامنه‌ای (حفظه الله) درباره کاربرد «قواعد قرآنی» در زندگی انسان، می‌فرماید: قرآن کتاب زندگی است. اگر آحاد بشر قواعد زندگی را با قرآن تطبیق بکنند، سعادت دنیا و آخرت نصیب آن‌ها خواهد شد. مشکل ما این است که این کار را نمی‌کنیم؛ مشکل ما این است که ما زندگی [خود] را با قواعد قرآن تطبیق نمی‌کنیم؛ مثل کسی که به پزشک مراجعه می‌کند و نسخه پزشک را می‌گیرد لکن به آن نسخه عمل نمی‌کند. این مراجعه به پزشک بدون عمل کردن به نسخه اثری نخواهد داشت؛ امروز وضع ما این جوری است. (سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۲/۶)

بدین منظور این پژوهش بررسی یکی از «قواعد قرآنی» با عنوان قاعده «نفی سبیل» که در یکی از راهبردی‌ترین عرصه‌های جمهوری اسلامی، یعنی عرصه دفاعی کاربرد دارد را وجهه همت خود قرار داد. هرچند قاعده «نفی سبیل» قابلیت تحقیق و بررسی در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی مسلمانان را دارد، اما به دلیل اهمیت عرصه دفاعی و نیز اینکه در هر حال، پرداختن به

همه عرصه‌ها از توان این پژوهش، خارج است، در این تحقیق به واکاوی کاربردها کارکردهای قاعده «نفی سبیل» در عرصه دفاع پرداخته خواهد شد. مراد از کاربردها، دامنه استفاده از این قاعده است که در حوزه‌های مختلف، همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تحقق می‌یابد. همچنین منظور از کارکردها، نتیجه و برونداد استفاده از این قاعده است به شکل عملی در جامعه اسلامی، رخ می‌نماید. در این جهت، به سخنان امامین انقلاب نیز استناد می‌شود. نتایج تحقیق بیان خواهد کرد که در بخش کاربردها، جنبه دفاعی قاعده «نفی سبیل» در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قابل اجرا است. همچنین در بخش کارکردهای دفاعی، «گسترش توحید، صیانت از احکام دین، لزوم مبارزه با دشمنان، دفاع از حقوق انسان، حفظ عزت و استقلال جامعه اسلامی، جلوگیری از ظلم و فساد، احیاء اسلام ناب» از این قاعده مستفاد است.

روش و پیشینه پژوهش

روش؛ این پژوهش از نوع تحلیلی - استنادی است. بدین شکل که داده‌ها از متون دینی گردآوری موضوعی شده، سپس بر روی آن‌ها تحلیل عقلی صورت می‌گیرد تا هدف پژوهش محقق گردد. گردآوری داده‌ها در این تحقیق بیشتر اسنادی، کتابخانه‌ای یا نرم‌افزاری است. بدین شکل که نخست متون دینی؛ اعم از قرآن، روایات، سخنان امامین انقلاب و دیگر منابع درجه اول، حول محور قاعده «نفی سبیل» جست‌وجو شده است، سپس این اطلاعات در دو بخش کاربردها و کارکردها سامان یافته است. نتایج به دست آمده اثبات خواهد کرد که کاربردها و کارکردهای قاعده «نفی سبیل» در عرصه دفاع بسیار اثرگذار است.

پیشینه؛ در حوزه «قواعد قرآنی» به ویژه قاعده «نفی سبیل» و نیز در حوزه «دفاع» پیش از این مقاله، پژوهش‌های دیگری صورت گرفته است. اما وجه تفاوت تحقیق پیش رو، ارتباط قاعده «نفی سبیل» با موضوع «دفاع» و بررسی کاربردها و کارکردهای دفاعی این قاعده است. نگارنده تحقیق مستقلی که کاربردها کارکردهای قاعده «نفی سبیل» در عرصه دفاع را واکاوی کند، پیدا نکرد. البته در موضوع «قواعد قرآنی»، قاعده «نفی سبیل» و «دفاع» به شکل جداگانه پژوهش‌هایی به رشته تحریر درآمده‌است. از جمله:

۱. کتاب «قواعد قرآنی»، نوشته محمدعلی رضائی اصفهانی؛ چاپ انتشارات دارالمبلغین قم، سال ۱۳۹۹ است. نویسنده این کتاب قواعد بسیاری از قرآن استخراج و آنها را از جهت جهان‌ها، عرصه‌های زندگی بشر و منابع چیدمان کرده است.

۲. کتاب «قواعد قرآنی» دکتر عمر بن عبدالله بن محمد المقبل نشر مؤسسه مفاتیح العلم الوقفیه و مرکز تدبیر للدراسات والاستشارات تدبیر که شامل ۵۰ قاعده فی النفس و الحیاء است و چاپ چهارم آن در سال ۱۴۳۸ق در ریاض منتشر شده است.

۳. کتاب «معجم القواعد القرآنیة» نوشته عبد الستار فتح الله سعید، چاپ جده، دار الاندلس الخضراء، در سال ۱۴۲۹ ق. نویسنده در این کتاب فقط قواعد قرآنی را به سبک کتاب های معجم جمع آوری کرده است و به توضیح و تفسیر آن پرداخته است.

۴. مقاله «سیر تحول مفهوم قاعده نفی سبیل در فقه سیاسی شیعه»، نوشته محمد شجاعیان، مجله سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۳، پاییز ۹۹. نویسنده هدف خود از پژوهش را بررسی سیر تحول مفهوم نفی سبیل در فقه سیاسی شیعه با رویکردی تاریخی معرفی می کند.

۵. مقاله «نقش قاعده نفی سبیل در سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی و روابط بین الملل» نوشته غلامرضا خواجه سروی و عاطفه ابراهیمی سرو علیا، مجله جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱. نویسنده قاعده «نفی سبیل» را با نگاه فقهی بررسی کرده و نقش آن ها بر رفتار، تصمیمات و سیاست های کلان نظام اسلامی مورد مذاقه قرار داده است.

از سویی برخی پژوهشگران موضوع دفاع را به شکل مستقل بررسی کرده اند. برای نمونه:

۱. کتاب «نظام دفاعی اسلام از دیدگاه فقه مقارن»، نوشته محمدجواد مهری، انتشارات مکت اندیشه در چهار جلد که در سال ۱۴۰۰ چاپ شده است. این اثر در راستای تبیین «نظام دفاعی اسلام در فقه مقارن» به بازشناسی گزاره های فقهی ناظر بر تولید امنیت یا تهدید امنیت نظام اسلامی پرداخته است. ضمن آنکه تلاش شده از نظرات فقیهان و دانشمندان امامیه و اهل سنت استفاده شود.

۲. کتاب «فلسفه جهاد و دفاع در اسلام» نوشته اسحاق طاهری، انتشارات زمزم هدایت که در سال ۱۴۰۰ چاپ شده است. نویسنده کتاب سعی کرده در ۱۵ فصل موضوعات مختلف جهاد و دفاع را مورد بررسی قرار دهد. اما رویکرد اصلی کتاب کلامی است.

۳. سلسله همایش‌های «تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)». تاکنون پنج همایش توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برگزار شده است که پنجمین آن به شکل بین‌المللی در سال ۱۴۰۱ برگزار شد. (ر.ک. تارنما www.tademam.ir) مقالات ارائه‌شده در این همایش‌ها، منابع وسیع و متقن از نظرات مقام معظم رهبری (مدظله) پیرامون دفاع و امنیت و نیز اطلاعات گسترده‌ای در موضوع دفاع به نظاره پژوهشگران می‌گذارد.

تحلیل پیشینه و تمایز مقاله حاضر:

برخی آثار تدوین‌یافته در این موضوع، همچون کتاب‌هایی که در بالا ذکر شد، به شکل معجم پیرامون تمام «قواعد قرآنی» تدوین‌یافته‌اند. بنابراین، پژوهش مستقلی درباره کاربردها و کارکردهای «قاعده نفی سبیل» نمی‌باشند؛ بلکه جنبه توضیح عام دارند. برخی دیگر از پژوهش‌ها همچون مقالاتی که در بالا ذکر شد؛ یک بعد از ابعاد قاعده «نفی سبیل» را بررسی کرده‌اند. مانند مقاله اول که آیه ۱۴۱ سوره نساء را محور بحث فقهی و تفسیری خود قرار داده و به نتیجه خلاف اجماع بیشتر اندیشمندان این حوزه رضایت داده است. یا مقاله دوم که سیر تاریخی قاعده «نفی سبیل» را بررسی کرده و نتیجه عکس مقاله اول را رقم زده است. آن‌طور که نمایان است هیچ‌کدام از این آثار ارتباط قاعده «نفی سبیل» با عرصه‌های مختلف دفاع را به بحث ننشسته‌اند. بنابراین، وجه تفاوت تحقیق پیش رو، با آثار بالا عبارت‌اند از:

۱. آنچه تاکنون راجع به این قاعده بحث شده، طرح مسائل کلی، فقهی و تاریخی بوده است.
۲. در این مقاله ارتباط قاعده «نفی سبیل» با موضوع «دفاع» و بررسی کاربردها و کارکردهای دفاعی این قاعده مورد بحث قرار گرفته است.
۳. در این مقاله برای اثبات مدعا به سخنان امامین انقلاب استناد شده است.

۴. در بسیاری از آثار مشابه، قاعده «نفی سبیل» از منظر فقه بررسی شده است، حال آنکه مراد نویسنده از این قاعده، نگاه فقهی نیست، بلکه نگاه به یک اصل کلی قرآنی است که فارغ از مباحث تخصصی فقه، می‌توان از آن، کاربردها و کارکردهای دفاعی را استخراج کرد.
۵. هدف پژوهش حاضر بسترسازی برای اشاعه گفتمان‌های قرآنی در ساختار حکمرانی به‌ویژه در موضوع دفاع است.

مفهوم شناسی

در این قسمت به فهم واژگان مرتبط با عنوان مقاله پرداخته شود:

دفاع

واژه «دفاع» مصدر از ماده «دفع» و در لغت به معنای «باقوت دور کردن» است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۱۵)؛ اما در اصطلاح مجموعه اقداماتی است که به‌منظور خنثی‌سازی، مهار و دفع عوامل زیان‌آور برای حفاظت از چیزی لازم است. (قیصری و خضری، ۱۳۹۵، ص ۵۹) عوامل زیان‌آوری که باید در مقابل آن به دفاع برخاست، لزوماً نیاز نیست نظامی باشند، بلکه عوامل علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی متخاصم و مانند آن را هم که قصد زیان‌آوری داشته باشند شامل می‌شود. به‌طور طبیعی هر کشوری بر اساس سیاست طراحی شده در آن کشور، دارای سیاست دفاعی است. با این نگاه هرگاه نظام و یا کشوری در صحنه بین‌المللی و یا حتی در سطح ملی خود در معرض تهاجم دشمنان و مخالفان داخلی و خارجی قرار گیرد، به‌ناچار لازم است برای مقابله با این تهاجمات، مبادرت به اتخاذ یک سیاست تدافعی نماید که نظام جمهوری اسلامی نیز از آن مستثنا نیست.

سبیل

سبیل در لغت به معنای راه (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۵، ص: ۱۷۲۴) و حجت (مصطفی و دیگران، ۱۴۲۵ ق، ص ۴۱۵) است. در قرآن کریم نیز در بیش‌تر مواردی که سبیل به‌کاررفته، به نحوی معنای راه در آن وجود دارد. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۲۳) در قرآن کریم کلمه «سبیل» با واژه‌های دیگری همراه می‌شود که می‌توان از آن مفهوم راه هدایت (بقره ۲: ۱۰۸)، یا راه

ضلالت را استنباط کرد. (اعراف (۷)، ۱۴۶) است. البته هنگامی که سبیل با حرف «علی» به کار می‌رود، به معنای عقاب، عتاب، غلبه، سلطه و استیلا استعمال می‌گردد. (صرّامی، ۱۳۸۲، ص ۹۹) این نحوه استعمال در آیات متعددی وجود دارد از جمله: (توبه (۹): ۹۱) و (شوری (۴۲): ۴۱ و ۴۲). از مجموع این آیات، می‌توان معنای مشترکی برای سبیل استفاده کرد که همان غلبه، استیلا و سلطه است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۹۲۸)

قواعد قرآنی

واژه «قواعد» جمع «قاعده» و به معنای اصل و اساسی است که بر آن تکیه می‌شود و مسائل دیگر بر آن بنیان گذاشته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۶۱) مراد از قواعد قرآن، اصول کلی حیات انسان است که نظام بخش و جهت دهنده به جزئیات زندگی اوست که از نصوص یا ظواهر مستقر قرآن استنباط می‌شود. (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷) عنوان «قواعد قرآنی» سابقه‌ای طولانی ندارد بلکه در عصر حاضر مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است. هر چند که سرچشمه‌های بحث در قرآن کریم موجود بوده و در تفاسیر قرآن ذیل آیات مربوط به قواعد کلی قرآن مورد بحث قرار گرفته است، اما نامی از «قاعده قرآنی» برده نشده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹)

قاعده «نفی سبیل»

مراد از قاعده «نفی سبیل» این است که خداوند متعال حکمی جعل نکرده که بر اثر آن، برای کفار، برتری بر مسلمانان ثابت کند. بنابراین، قاعده «نفی سبیل» اصطلاحاً قاعده‌ای است که بر اساس آن، هرگونه سلطه کافر بر مؤمن یا سلطه جامعه‌های کفار بر جامعه مسلمان، نفی می‌شود. قاعده «نفی سبیل» قاعده‌ای است در رابطه میان مسلمانان در جامعه اسلامی؛ از یک سو و اقلیت‌های دینی از سوی دیگر و نیز در ارتباط جوامع اسلامی با ملت‌های دیگر که بیرون از سیطره دولت اسلامی بسر می‌برند. در ارتباط میان امت اسلامی و ملل غیرمسلمان قاعده یادشده ایجاب می‌کند به هیچ وجه تعهد یا تعاملی را نپذیرند که موجب تسلط غیرمسلمانان بر ایشان گردد. درواقع، این قاعده بیانگر دو جنبه سلبی و ایجابی است؛ جنبه سلبی آن ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مسلمانان اسلام است و جنبه ایجابی آن بیانگر

وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی و موجبات ناامنی در اسلام است. (مهاجر نیا، ۱۳۹۴، ص ۷۲)

تمایز قاعده «نفی سبیل» در دو حیطة قرآن و فقه

کاربرد «قواعد قرآنی» متفاوت و مستقل از کاربرد قواعد علوم دیگر همچون «قواعد فقهی» است. اگرچه ممکن است یک قاعده مانند قاعده «نفی سبیل» در «قواعد قرآنی» و «قواعد فقهی» مشترک باشد. چراکه هر قاعده در یک علم خاص، برای اثبات موضوعات مطرح شده در آن علم کاربرد دارد. چنانچه قاعده «نفی سبیل» در «قواعد فقهی» برای اثبات موضوعات فقهی مانند احکام تکلیفی یا احکام وضعی کاربرد دارد. اما همین قاعده در «قواعد قرآنی» کاربردی عام در سبک زندگی انسان و قواعد و قوانین الهی حاکم بر زندگی بشر دارد.

بنابراین، همان‌طور که در قرآن قواعدی با عنوان «قواعد قرآنی» وجود دارد، در علم فقه هم قواعدی با عنوان «قواعد فقهی» وجود دارد. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، اینکه قاعده «نفی سبیل» اشتراک لفظی در «قواعد فقهی» و «قواعد قرآنی» دارد. در ادامه وجه تفاوت آن‌ها بیان می‌شود. (برای مطالعه بیشتر ر. ک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۱۷) قاعده فقهی عبارت از یک اصل کلی است که ضمن بیان یک حکم کلی دارای این ویژگی است که موضوع آن می‌تواند در ابواب مختلف فقه صادق باشد و منشأ استنباط احکام جزئی می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳ ص ۴۴۵) این در حالی است که قواعد قرآنی مربوط به زندگی بشر است و از درون قرآن به دست می‌آید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۸) بر این اساس، هرگاه مراد از قاعده «نفی سبیل» قواعد قرآنی باشد، منشاء آن قرآن کریم، تفاسیر و قلمرو آن عرصه مختلف بشری است. اما اگر مراد از قاعده «نفی سبیل» قواعد فقهی باشد، قلمرو آن علم فقه و کاربرد آن در احکام شرعی فردی است. اما از جمله کاربردهای قاعده «نفی سبیل» در قلمرو فقه عبارت‌اند از:

- ا. در باب ارث؛ کافر از مسلمان ارث نمی‌برد. (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۳، ص ۲۰)
- ب. در باب نکاح؛ زن مسلمان نمی‌تواند با کافر ازدواج کند. (حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۲۹۹)
- ج. در باب شفعه؛ در صورتی که مشتری مسلمان باشد، حق شفعه برای کافر ثابت نیست. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۷، ص ۲۹۴)

- د. در باب ولایت پدر بر فرزندان؛ پدر کافر، بر فرزندان مسلمان خود ولایت ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۲۰۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۶۷)
- ه. در باب ولایت پدر بر فرزندان؛ پدر مسلمان، هرگاه مرتد شود، بر فرزندان خود ولایت ندارد. (عاملی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۳۴۷)
- و. در باب قضاوت؛ کافر نمی‌تواند قاضی شود. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۰، ص ۱۴؛ حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۵۹)
- نگارنده کتمان نمی‌کند که قاعده «نفی سبیل» در هر دو حیطه «قواعد فقهی» و «قواعد قرآنی» مصداق‌های مشترکی دارند که تفکیک آن‌ها به‌غایت مشکل است و نیاز به تحقیق مستقل دارد، اما باوجود این، تفاوت‌های «قواعد فقهی» با «قواعد قرآنی» غیرقابل‌انکار است. در پایان این بحث، متذکر می‌شود که مراد ما از کاربردها و کارکردهای قاعده «نفی سبیل» در این تحقیق، «قواعد قرآنی» است.

ادله قاعده «نفی سبیل»

در ادامه دو گونه ادله قرآنی و روایی ارائه می‌گردد.

ادله قرآنی

نظر به آنکه موضوع بحث، یکی از قواعد قرآنی است، به‌طور طبیعی، ادله قاعده هم باید از آیات قرآن باشد. از جمله قرآن کریم می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء (۴): ۱۴۱)؛ خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

عالمان اسلامی در مسائل مختلف، برای اثبات عدم تسلط کفار بر مؤمنان، به جمله «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ» در آیه بالا استناد می‌کنند. واژه جعل در لغت به معنای قرار دادن (قرشی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۸) و وضع کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۱۱۰) مراد از جعل در آیه، هم جعل تشریعی است؛ به این معنا که خداوند متعال در عالم تشریع، حکمی که موجب سبیل و سلطه کافران بر مؤمنان باشد، وضع نکرده است. هم جعل تکوینی، یعنی در عالم تکوین نیز خداوند

سبحان برای کفار، هیچ گونه حجت یا تأییدی که با آن بر مؤمنان غلبه یابند، قرار نداده است. امام خمینی (ره) در این باره می نویسد:

فَاللّٰهُ تَعَالٰی جَعَلَ طَرَفًا كَثِيرَةً لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ فِي التَّكْوِينِ، وَلَمْ يَجْعَلْ وَلَكِنْ يَجْعَلْ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ طَرِيقًا وَسَبِيلًا؛ إِذْ لَمْ يُؤَيِّدْهُمْ بِتَأْيِيدٍ صَوْرِيٍّ أَوْ مَعْنَوِيٍّ يُوْجِبُ تَقْوِيَّتَهُمْ وَغَلْبَتَهُمْ، فَهَذِهِ التَّأْيِيدَاتُ وَالسَّبِيلُ أُمُورٌ زَائِدَةٌ عَلَى مَا هُوَ الْمَشْتَرَكُ بَيْنَ طَوَائِفِ الْبَشَرِ؛ مِنْ إِعْطَاءِ الْعَقْلِ، وَالْقُوَّةِ، وَالْقُدْرَةِ. فَعَلَى هَذَا، يَصَحُّ أَنْ يَقَالَ: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا فِي التَّكْوِينِ، بَلْ جَعَلَ لَهُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا بَلْ طَرَفًا وَسَبِيلًا، وَكَذَا لَمْ يَجْعَلْ طَرِيقًا لَهُمْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي الْاِحْتِجَاجِ. (خمینی (ره)، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۲۲ و ۷۲۳)

با این بیان، مراد از عدم جعل سبیل در عالم تکوین، بدان معنا است که خداوند، هیچ طریق عقلی، برهانی و فطری در عالم تکوین برای کافران قرار نداده است تا برای اثبات ادعاهای خود، بر مؤمنان غلبه پیدا کنند.

در تشریح نیز خداوند برای کافران سلطه اعتباری بر مؤمنان قرار نداده است؛ چرا که خداوند، رسول خود و بعد از او ائمه طاهرین (ع) و سپس عالمان الهی را ولی و حاکم بر مردم قرار داده است. همچنان که در قیامت نیز حجت برای مؤمنان بر ضرر کافران قرار دارد. (خمینی (ره)، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۲۱ - ۷۲۳)

حاصل کلام امام خمینی (ره) آن است که واژه سبیل در این آیه، عام است و از آن معانی غلبه، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری، و سلطه خارجی استنباط می شود. با این وصف، می توان گفت که بر اساس این آیه، اراده خداوند به هر دو قسم تکوینی و تشریعی آن، نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین را به هر شکلی از اشکال نظامی، اقتصادی و فرهنگی نفی می کند. (رحمانی، ۱۴۲۴ ق، ص ۱۶۷)

نکته مهم آنکه هر چند کلمه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می رساند با وجود این، باید مراقب بود که برداشت ناصحیح از آیه «نفی سبیل» نشود. یعنی این طور تصور نشود که خداوند به طور جبری همواره مسلمانان را درنبرد بر کافران پیروز می کند، بلکه چه بسا به دلیل کوتاهی مسلمانان، در برخی مواقع، کافران به ظاهر پیروز شوند، اما باز هم حجتی علیه مسلمانان ندارند. پس اگر در ظاهر و بر اساس برخی امور دنیایی، پیروزی نصیب

کافران علیه مسلمانان در میدان‌های مختلف حاصل می‌آید، این موضوع نقض آن قاعده کلی در آیه نیست؛ بلکه به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظائف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را به کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند، و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را از لحظه تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است، دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۵ و ۱۷۶)

دلیل قرآنی دیگر برای مدرک قاعده نفی سبیل، آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون (۶۳): ۸) می‌گویند: «و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است لیکن این دورویان نمی‌دانند.»

امام صادق (ع) با تأکید بر اینکه مؤمن نباید کاری کند که ذلیل شود، می‌فرماید: مگر سخن خداوند عزّ و جلّ را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» مؤمن عزیز است و ذلیل نخواهد بود. سپس فرمود: «مؤمن از کوه عزیزتر است، کوه را با کلنگ می‌کنند و از حجم آن می‌کاهند، ولی هیچ چیزی نمی‌تواند از دین مؤمن بکاهد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۳)

در قرآن کریم، آیات دیگری نیز، بر نفی سلطه کافران بر مسلمانان و ضرورت دستیابی جامعه اسلامی به استقلال و خودکفایی همه‌جانبه اشاره دارد. آیاتی که بعضاً بر بسترها و زمینه‌های سلطه کافران اشاره دارد. همچون: تأکید بر عزت مؤمنان (منافقون (۶۳)، ۸)؛ نپذیرفتن سلطه کافران (مائده (۵): ۵۱ و ۵۲)؛ عدم میل و اعتماد نداشتن به کافران (هود (۱۱): ۱۱۳)؛ پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان (آل عمران (۳): ۱۴۹ و ۱۵۰)؛ روی پای خود ایستادن (فتح (۴۸): ۲۹)؛ و نداشتن دوستی صمیمانه با مشرکان (آل عمران (۳): ۱۱۸ و ۱۱۹).

ادله روایی

قاعده «نفی سبیل» یک قاعده قرآنی است، بنابراین، باید ادله اثبات آن از آیات قرآن باشد که پیش‌ازین آیات آن بررسی شد. اما، از روایات نیز می‌توان به‌عنوان تأیید این قاعده قرآنی، بهره گرفت. چنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِلَّا سَلَامٌ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا

يَحْجُبُونَ وَلَا يَرْتُونَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۳۴)؛ اسلام همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند و مانع از ارث نمی‌باشند و ارث نیز نمی‌برند». در این روایت مراد از اسلام، مسلمانان و متدینین به این آیین است و مفاد حدیث این است که در اموری که کفار با مسلمانان ارتباط پیدا می‌کنند، حکم اسلام، موجب علو مسلمانان است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۱۹۰)

حاصل آنکه از آنجایی که دین اسلام آخرین دین الهی و احکام و قوانین آن کامل‌تر و جامع‌تر از ادیان دیگر است، بر سایر ادیان شرافت و برتری دارد. از این رو، مسلمانان عقلاً نباید سلطه و سبیل بیگانگان را بپذیرند. زیرا پذیرش سبیل دیگران، ذلت، سرشکستگی و خواری مسلمانان را رقم خواهد زد. به‌ویژه در دوران معاصر که استکبار جهانی کمر به نابودی اسلام بسته است.

کاربردهای دفاعی قاعده «نفی سبیل»

در آیات قرآن کریم تأکید شده است که معاندان همواره با طعن و تمسخر، درصدد تضعیف اسلام بوده‌اند (آل عمران (۳)، ۱۱۸ و مائده (۵)، ۵۷ و ۵۸؛ توبه (۹)، ۱۲) خصلت دیگر معاندان آن است که اگر خیری به مسلمانان برسد، ناراحت می‌شوند. در مقابل، اگر حادثه ناگواری برای مسلمانان رخ دهد، اظهار شادمانی می‌کنند. (آل عمران (۳)، ۱۲۰) به همین دلیل، قرآن به مسلمانان سفارش می‌کند تا در نوع روابط خود با غیرمسلمانان جانب احتیاط را رعایت کرده، همواره آمادگی خود را در برابر کافران حفظ نمایند. (انفال (۸)، ۶۰) چراکه بسیاری از آنان معاند هستند و اگر بر مسلمانان تسلط یابند، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کنند. (توبه (۹)، ۸) بنابراین، نظام اسلامی در سیاست‌های دفاعی خود باید چنان برنامه‌ریزی کند که با پیش‌گیری از سلطه غیرمسلمان بر مسلمان در تمام عرصه‌ها، کیان جامعه اسلامی حفظ شود. این مفهومی است واضح و شفاف که از قاعده «نفی سبیل» استنباط می‌شود. استفاده دفاعی از این قاعده بسیار فراخ‌دامن است. با توجه به مجال اندک این نوشتار، در ادامه مختصری از کاربردهای این قاعده در محورهای مختلف همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی بررسی می‌شود. سپس به معرفی برخی کارکردهای دفاعی مستفاد از این قاعده اشاره خواهد شد.

دفاع سیاسی

دفاع در عرصه سیاسی، در چهارچوب سیاست ملی و بر اساس منافع و ارزش‌های دینی و ملی تعریف می‌شود. از نظر اسلام دفاع سیاسی دارای ارکانی است که استقلال سیاسی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. بنابراین، کاربرد قاعده «نفی سبیل» در حوزه دفاع سیاسی بسیار مهم است. نفی سبیل بیگانگان در حوزه سیاسی یعنی روی پای خود ایستادن و عدم اتکا به بیگانگان، ایستادگی در برابر نظام سلطه و دفاع از حق. استقلال سیاسی، اقتدار سیاسی می‌آورد که روی سه‌پایه استوار است: «یک. ثروت و امکانات پولی و مالی. دو. توانایی‌های علمی و فناوری. سه. توانایی‌های خبری و سلطه خبری» (ر.ک. سبحانی فر، ۱۳۹۳، ص ۳۵۷) با توجه به این که در آیه ۱۴۱ سوره نساء، تسلط کافران بر مسلمانان با حرف «لن» نفی شده است و در ادبیات عرب، «لن» برای نفی ابد به کار می‌رود، بنابراین، در تمام زمان‌ها، کافران راهی برای نفوذ و تسلط سیاسی بر مسلمانان را ندارند. حقوق بین‌الملل اسلامی نیز هیچ‌گونه تسلطی را برای کافران نگشوده است. (شکوری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۹۰) به‌طور کلی، از آیه شریفه می‌توان چنین برداشت کرد که خدای متعال هرگز اجازه نمی‌دهد کافر بر مسلمان تسلط پیدا کند، این مطلب در زمینه‌های فردی و اجتماعی مطرح شده و تا سطح بین‌المللی نیز قابل تعمیم است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۵۱ و ۵۵) امام خمینی (ره) در رهنمودی آشکار چگونگی روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان ترسیم می‌فرماید:

اگر روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان موجب استیلاي آنان بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولت‌ها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند؛ و پیمان‌هایشان باطل است و بر مسلمین واجب است آن‌ها را ارشاد کنند و آنان را ولو با مقاومت منفی، به ترک این گونه روابط ملزم نمایند. (خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۶)

از این رو، هر پیمان و قراردادی که دولت اسلامی در روابط خارجی منعقد می‌کند، باید بر اساس حفظ عزت و استقلال کشور اسلامی و مسلمانان و نفی سلطه کفار باشد؛ زیرا عزت برای خداوند و از آن اسلام و مسلمانان است.

مقام معظم رهبری (حفظ الله) در ترسیم اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌فرماید:

اگر بخواهیم اصول سیاست خارجی را که بر پایه‌ی عزت و حکمت و مصلحت استوار است، بر اوضاع و شرایط پیچیده‌ی امروز دنیا و وضع خاص خودمان تطبیق کنیم، بلاشک فراست، ابتکار عمل، پُرکاری، دقت و پابندی شدید به اصول و آرمان‌ها، جزو وظایف عمومی دستگاه دیپلماسی ماست. (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۴/۱۸)

البته دولت اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی، نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی باید در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با سایر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران که نمونه‌ای از دولت اسلامی به شمار می‌رود، بر اساس احترام متقابل با تمام کشورهای جهان رابطه دارد. به همین دلیل، به دنبال سلطه یافتن بر سایر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد. (داستانی بیرکی، ۱۳۸۱، ص ۱۹-۲۲) این حقیقت در کلام رهبر کبیر انقلاب (ره) نیز مشهود است. (خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۳۸) در فصل سیاست خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال که پی‌آمد نفی سلطه‌پذیری است، از اصول سیاست خارجی شمرده شده است. (ارجینی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰)

دفاع اقتصادی

یکی دیگر از مصداق‌های کاربردی قاعده «نفی سبیل» حوزه امور اقتصادی است. بر اساس این قاعده قرآنی هرگونه روابط اقتصادی دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها که سبب سلطه آن‌ها یا وابستگی اقتصادی دولت اسلامی شود، باطل است. به همین دلیل، امام خمینی (ره) هر نوع رابطه اقتصادی که موجب سلطه اجانب بر مسلمانان و کشورهای اسلامی شود، به دلیل این که استعمار را نیز در پی خواهد داشت، ممنوع اعلام کرده، معتقد است با نخردن کالاهای آنان و ترک استفاده از آن، باید از رابطه و معامله با آنان به طور مطلق پرهیز شود. (خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۵) ایشان درباره روابط اقتصادی دولت اسلامی می‌فرماید:

اگر در روابط بازرگانی دول یا تجار با بعضی از دول یا تجار بیگانه ترس بر بازار مسلمین و زندگی اقتصادی آن‌ها باشد، واجب است آن را ترک کنند، و چنین تجارتی حرام است و در

صورت چنین ترسی، بر رؤسای مذهب (واجب) است که کالاهای آنان و تجارت با آن‌ها را طبق مقتضیات زمان تحریم نمایند و بر امت اسلامی متابعت آنان (واجب) است، چنان‌که بر همه آن‌ها واجب است که در قطع این روابط جدیت کنند. (خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۶)

در بند هشتم از فصل چهارم قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی که مربوط به اقتصاد و امور مالی است، یکی از ضوابط جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور بیان شده است. (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۲۳) در همین خصوص در اصل ۱۵۳ آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است. (فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۵۳)

قرآن کریم به بُعد استقلال اقتصادی جامعه توجه داشته، تأکید می‌کند که شکوفایی اقتصاد با امنیت حاصل می‌شود. (نحل (۱۶): ۱۱۲؛ قریش (۱۰۶): ۴) دفاع اقتصادی در مقابل دشمن نیاز به قدرت اقتصادی دارد. برای رسیدن به یک قدرت اقتصادی برخی امور اهمیت دارد از جمله تولید صنعتی و رونق کشاورزی که در روایات نیز بدان اشاره شده است، (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳۸۴) پایه‌های یک قدرت اقتصادی برتر است. از جمله دیگر مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی که می‌تواند دفاع جامعه اسلامی را در مقابل دشمن تضمین کند، و در روایات نیز بدان تأکید شده (ر.ک. مکارم شیرازی، ج ۲۴، ص ۲۳۷-۲۳۸) کار و تلاش و همدلی مردم است. به عبارت دیگر جهاد در احیای فرهنگ کار و تلاش از ارکان مهم قدرت اقتصادی به شمار می‌آید. این راهکاری است در مقابل دشمنان، که با تبلیغات، مردم را به تنبلی، سستی، تن‌پروری، ناامیدی، کسبه‌ای حرام، مانند ربا، رشوه، شبکه‌های هرمی و... ترغیب می‌کنند.

دفاع فرهنگی

یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد قاعده «نفی سبیل» حوزه فرهنگ است. با توجه به معنای «سبیل» که در این قاعده آمده است، می‌توان گفت که نفوذ و تسلط فرهنگی، یکی از مصداق‌های کامل سبیل است. نظام‌های سلطه‌گر برای سلطه بر دیگر کشورها و تسلط بر ثروت ملت‌ها، همواره راه‌های مختلف را می‌آزمایند که حوزه فرهنگ، یکی از بهترین راه‌ها برای تسلط بر سایر ملل است. این سلطه از راه‌های مختلف همچون پیشرفت‌های علمی، فناوری، فناورانه، سبک آموزش، فناوری،

فضای مجازی، هنر همچون رسانه، سینما، تئاتر، موسیقی، ورزش، جذابیت‌های حسی و لذت‌گرایانه و غیره پی‌جویی می‌شود و با تضعیف و گسست نسل‌ها و درنهایت مسخ و ازخودبیگانگی فرهنگی ملل، به هدف خود می‌رسد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «در صورتی که روابط کشور اسلامی با دیگر کشورها موجب استعمار مسلمانان یا استعمار کشورشان در بُعد فرهنگی شود، بر همه مسلمانان واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند و این‌گونه روابط حرام است». (خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۶)

سلطه فرهنگی را می‌توان به معنای ورود به درون افراد برای تغییر رفتارها، آداب، رسوم، باورها و اعتقادات فرد و تأثیر بر ارزش‌ها دانست. روشن است که با توجه به شدت ارتباطات در دنیای امروز و فرایند جهانی‌شدن، بسیاری از عناصر فرهنگی جامعه سلطه‌گر به جامعه سلطه‌پذیر وارد می‌شود، از این‌رو، نفوذ عناصری از فرهنگ که موجب وابستگی مطلق مسلمانان به کفار شود یا عزت مسلمانان را تحت الشعاع قرار دهد و یا معبری برای ورود عقاید باطل و تضعیف عقاید حقه شود و یا بی‌اعتنایی به اسلام را به همراه آورد بر طبق قاعده «نفی سیل» ممنوع است. استیلاي فرهنگی کفار بر مسلمین بدترین نوع استیلا و سیطره و زمینه‌ساز استیلا در ابعاد دیگر مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... است. (ملتی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵ و ۱۳۶) رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) این سلطه فرهنگی با تعابیر مختلف همچون تهاجم یا شبیخون فرهنگی معرفی کرده، می‌فرماید:

تهاجم فرهنگی، مثل خودِ کار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سروصدایی است. یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پابندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان عواملی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند. یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوت‌رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد. (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۵/۲۱)

هدف از دفاع فرهنگی، برخورداری از استقلال فرهنگی است. دشمنان اسلام همواره با تبلیغات و گسترش فرهنگ شیطانی، عرصه را بر استقلال فرهنگی مسلمانان تنگ کرده‌اند. از این‌رو، مبارزه برای استقلال فرهنگی یک ضرورت دینی است که نیاز به مدیران توانمند در عرصه فرهنگ دارد. قرآن

کریم دو شرط برای مدیریت توانمند و کارآمد معرفی کرده است که عبارت باشد از «قدرت علمی و توانایی جسمی» (بقره ۲: ۲۴۷) این دو شرط شامل عرصه فرهنگ هم می‌شود. به بیان قرآن، مشرکان، پیوسته با مؤمنان می‌جنگند، تا اگر بتوانند مؤمنان را از آیین و فرهنگشان برگردانند. (بقره ۲: ۲۱۷) به تعبیر بهتر، هدف دشمن، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی ملل مسلمان است. این هدف با تردیدآفرینی در مبانی اسلام و دین، تضعیف روحیه مذهبی و درنهایت وابسته کردن به فرهنگ شرک است. آگاهی و بصیرت مدیران فرهنگی جامعه به اهداف دشمن و برنامه‌ریزی صحیح برای خنثی‌سازی این اهداف، استقلال فرهنگی را به همراه خواهد داشت.

دفاع نظامی

اصطلاح دفاع نظامی به راه‌ها و روش‌هایی گفته می‌شود که در جنگ‌ها برای دفع حملات دشمن به کار گرفته می‌شود. (عطار، ۱۳۷۵، ص ۲۳) قاعده «نفی سبیل» در حوزه دفاع نظامی کاربرد فراوان دارد. نفی سبیل دشمنان در حوزه نظامی بدان معنا است که قوای مسلح ما در ابعاد مختلف نظامی، استقلال کامل داشته و آماده دفع هر نوع تجاوز باشند. در منطق قرآن، جهاد به‌عنوان وسیله‌ای برای بقاء و استمرار دین اسلام به‌عنوان تنها دین موردپذیرش خداوند (آل عمران ۳: ۱۹)، بقاء امت اسلامی و صیانت از سقوط و نابودی آن و برداشتن موانع تبلیغ حق، و دفاع از حقوق انسان‌ها و مستضعفین و حیات معنوی و مادی بخشیدن به انسان‌ها که موجب سعادت دنیا و آخرت آنان می‌شود، به شمار می‌آید. (انفال ۸: ۲۴) همچنین خاموش کردن فتنه‌ها، رهایی انسان‌ها از قید اسارت و بردگی طاغوت‌ها (بقره ۲: ۱۹۳)، حمایت از مظلومان و مستضعفان (نساء ۴: ۷۵)، و دفع مهاجمان و متجاوزان از دیگر اهداف دفاع نظامی است. (حج ۲۲: ۳۹) اما آنچه در دفاع نظامی رکن اساسی به شمار می‌رود، نفی وابستگی به بیگانگان و ایجاد خودکفایی در این عرصه است. قرآن کریم مسلمانان را به تجهیز کامل سپاه اسلام به ساز و برگ نظامی برای مقابله با دشمنان فراخوانده‌است. *وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ* (انفال ۸: ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید. مفسران درباره مفهوم واژه «قوة» در این آیه یادآور شده‌اند که این واژه به معنی تمام چیزهایی است که باوجودش جنگ و دفاع امکان‌پذیر می‌شود. (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۱۴) بی‌شک انجام این دستور قرآن، با استقلال و

خودکفایی در حوزه نظامی حاصل خواهد شد. بنابراین، کسب نیرو، آمادگی همه‌جانبه و نفی سلطه بیگانگان در این حوزه وظیفه مسلمانان است.

کارکردهای دفاعی قاعده «نفی سبیل»

با بررسی ابعاد قاعده «نفی سبیل» می‌توان کارکردها و نتایج عملی در حوزه دفاع استخراج کرد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

گسترش توحید و دعوت به خداپرستی

یکی از نتایج دفاعی مستفاد از قاعده «نفی سبیل»، گسترش توحید و خداپرستی است. قرآن کریم خاطرنشان می‌سازد که اسلام و دین توحید، اساس و ریشه فطری دارد. به همین جهت می‌تواند انسان را در زندگی‌اش به صلاح برساند. (روم (۳۰): ۳۰). از نظر قرآن، اقامه دین و ایمان به خداوند، مهم‌ترین حقوق قانونی انسانی است از این رو، خداوند خود اولین مدافع انسان‌های مؤمن است. (حج (۲۲): ۴۸) بر این اساس، بر مسلمانان واجب است از خداپرستی به‌عنوان تنها راه سعادت بشر، دفاع کنند و در این راه همه موانع را برطرف نمایند. از جمله مهم‌ترین موانع این دعوت به توحید، تسلط دشمنان توحید بر سرزمین‌های اسلامی است چراکه دعوت به توحید، با اهداف مستکبران در تضاد است. با این وصف، هرگاه تفکر ضد خدا بر جامعه‌ای تسلط یابد، اجازه گسترش مبانی توحیدی را نمی‌دهد. پس راه چاره، نفی سلطه دشمنان دین از بلاد اسلامی است. در فرهنگ اسلامی همه انسان‌ها حق دارند ندای توحید را بشنوند، (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۴۲) و با دین حق آشنا گردند؛ زیرا سعادت دنیا و آخرت آنان در گرو گرایش به سوی دین حق است. اما تفکر الحادی در صورت غلبه، با شیوه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره، از چنین حقی جلوگیری می‌کند. پس چنانچه مسلمانان بخواهند ندای توحید را گسترش دهند، باید خود را از سلطه بیگانگان برهانند. حضرت امام خمینی (ره) ضمن اعلام این مطلب که روحیه جلوگیری از تسلط دشمن بر کشور اسلامی، در راستای گسترش عقیده الهی بوده، بشارت می‌دهد تا زمانی که ملت این روح بزرگ را دارد، شکست ندارد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

امروز بحمد الله ملت ایران ملتی است مؤمن و رزمنده و دارای عقیده و جهاد برای عقیده است و مادامی که این روح بزرگ در کالبد ملت ماست، از توطئه‌ها و کج‌روی‌ها و سایر چیزهایی که برای ملت ما بوده است و در پیش است هراسی نیست... یک همچو ملتی شکست ندارد. (خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۸۲)

صیانت و حفاظت از احکام دین

دفاع و پاسداری از احکام دین، یک تکلیف شرعی و وظیفه دینی است. خداوند پاداش کسانی که به تبلیغ دین اسلام می‌پردازند را می‌دهد. (احزاب (۳۳): ۳۹) بر پایه آموزه‌های دینی، اگر دشمنان دین، با ابزارهای گوناگون به دنبال نفوذ و تسلط بر مسلمانان باشند، بر آحاد جامعه اسلامی، واجب است متناسب با شیوه نفوذ و تسلط دشمن، از حریم دین دفاع کرده، مانع آنان گردند. چنین وجوبی از مفهوم قاعده «نفی سیل» برگرفته می‌شود که به عنوان یکی از کارکردهای دفاعی مستفاد از این قاعده قابل ارائه است. در این باره مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرماید:

ما همیشه شعار «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» را بر سر دست گرفته و باور داشته‌ایم که اگر سران جوامع مسلمان به درستی به آن توجه می‌کردند، هرگز مجالی برای سلطه‌گری شیطان‌های مجسم جهانی بر کشورهای مسلمان‌نشین باقی نمی‌ماند. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان اجلاس وحدت اسلامی، ۱۳۸۷/۷/۴)

لزوم مبارزه با دشمنان و دفع تهدیدات آنان

لزوم مبارزه با دشمن و دفع تهدیدات آنان، همواره از راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی بوده است. ایستادگی در برابر تهاجم دشمن، نه فقط تأکید شرع (بقره (۲): ۱۹۰) بلکه به شهادت همه عقلا یک ضرورت زندگی بشر است. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۲۲۲) در همین باره امیر مؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید: «وَبَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّكُمْ» (شریف رضی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۴، نامه ۱) به جهاد با دشمنان شتاب ورزید.

بدیهی است لزوم مبارزه با دشمن، با سلطه‌پذیری از دشمن، در تضاد است. بنابراین، برای مقابله جدی با دشمنان، باید تسلط آنان را در تمام زمینه‌ها از بین برد. به گواه تاریخ، از صدر اسلام تاکنون، هرگاه مسلمان در برابر سلطه‌جویی دشمنان، از خود ضعف نشان داده‌اند، در معرض

تهدید و تجاوز آنان قرار داشته‌اند. پس چگونه می‌توان در مقابل استیلاء کافران بر سرزمین‌های اسلامی، سکوت کرد و بی‌تفاوت بود. (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷) امام خامنه‌ای (مدظله) در تشریح وضعیت جهان اسلام و لزوم مبارزه با متجاوزان می‌فرماید:

ناگواری‌های دنیای اسلام، عقب‌ماندگی‌های علمی و وابستگی‌های سیاسی و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی، ما را در برابر وظیفه‌ای بزرگ و مجاهدتی خستگی‌ناپذیر قرار می‌دهد؛ فلسطین مغضوب، ما را به یاری می‌طلبد؛ یمن مظلوم و خون‌آلود دل‌ها را به درد می‌آورد؛ مصائب افغانستان همه را نگران می‌سازد؛ حوادث تلخ در عراق و سوریه و لبنان و برخی دیگر از کشورهای مسلمان که دست شرارت و دخالت آمریکا و یارانش در آن مشهود است، غیرت و همت جوانان را برمی‌انگیزد، و از سوی دیگر، سر برافراشتن عناصر مقاومت در همه‌ی این خطه‌ی حساس، و بیداری ملت‌ها، و انگیزش نسل جوان و پُرنشاط، دل‌ها را لبریز از امید می‌کند. (پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج، ۱۴۰۰/۴/۲۸)

دفاع از حقوق، حریت و آزادی انسان‌ها

دفاع از حقوق، حریت و آزادی انسان‌ها راهبرد دفاعی دیگر در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این هدف نیز افاده شده از قاعده «نفی سبیل» دشمنان است. هرگونه پایمال کردن حقوق، حریت و آزادی انسان، به کرامت انسان خدشه وارد می‌کند. بنابراین، چنانچه کسی به هر نحوی قصد خدشه‌دار کردن کرامت انسان را داشته باشد - چنانکه خوی استکبار این‌گونه است - باید سلطه او نفی شود. خداوند در آنجایی که حقوق انسان‌ها مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد، اجازه جهاد داده، می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج (۲۲): ۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست.

از این آیه می‌توان چنین استفاده کرد که مشرکان حریت و آزادی را از انسان‌ها سلب کرده، آنان را برده خویش می‌پنداشته‌اند و حق انتخاب را از آنان گرفته بودند و این ظلم بزرگ، پیامد تسلط مشرکان بر مسلمانان بود. در مقابل هرگاه مسلمانان فرمان خدا و رسولش را بپذیرند و به‌جای پاسخ مثبت به ندای مشرکان، پاسخ مثبت به ندای الهی دهند، حیات طیبه همراه باسعادت پیدا

می‌کنند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال (۸): ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

از مفهوم آیه برمی‌آید اسلام به‌منظور رهایی بشر از ستم و رسیدن به حقوق مشروع خود، دستور داده تا مسلمانان در مقابل سلطه‌جویی دشمنان، افزون بر نپذیرفتن تسلط آنان، در مقابلشان حالت دفاعی گرفته، آماده نبرد باشند. (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۷) مقام معظم رهبری (مدظله) در این باره می‌فرماید:

اتحادی که ما به کشورهای جهان سوم پیشنهاد می‌کنیم، اتحاد برای جنگیدن با قدرت مای بزرگ نیست؛ اتحاد برای دفاع از خود و جلوگیری از تضییع حقوق حقه خود است. (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۳/۳۱)

حفظ عزت و استقلال

یکی دیگر از اهداف دفاعی نظام جمهوری اسلامی، حفظ عزت و استقلال کشور است. چنانکه در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که از سوی مقام معظم رهبری (حفظه الله) ابلاغ شده است، می‌خوانیم: «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت». (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴) از آنجایی که پذیرش خواسته‌های سلطه‌جویانه دشمن، عزت و استقلال کشور اسلامی را مورد تهدید، بلکه در معرض نابودی قرار می‌دهد، از هرگونه سلطه و سبیل دشمن باید جلوگیری کرد که همین معنا، مفاد قاعده «نفی سبیل» است. قرآن کریم با نفی پذیرش ذلت، دستور مقابله با متعدیان می‌دهد: «وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره (۲): ۱۹۴)؛ و [هتک] حرمت‌ها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید.

این آیه افزون بر نفی سبیل حرمت‌شکنان و متجاوزان، حق مبارزه با آنان را نیز صادر کرده است. (حقی بروسوی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷) حضرت علی (ع) در هشدار مهم، تأکید می‌کنند که شیوه او در مقابل حزب شیطان، پذیرش ذلت نیست، بلکه تیغ تیز است: «هشدارید که شیطان

حزب و گروهش را برانگیخته، و ارتش خود را از هر سو گردآورده، تا ستمگری به محلش، و باطل به جایش برگردد. .. اگر سر برتابند تیغ تیز حواله آنان می‌کنم، که درمان ایشان از باطل است، و یاری‌دهنده حق». (شریف رضی، ۱۳۸۸، ص ۸۴، خطبه ۲۲)

بنابراین، اگر دشمنان خارجی و داخلی به قصد تسلط و اجرا مقاصد، نظام اسلامی را در معرض خطر قرار دهند، وظیفه اتحاد جامعه است که از نفوذ آنان جلوگیری کنند تا سرزمین، کشور و ارزش‌های دینی حفظ شود. امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید:

ما باید وابستگی‌مان را از اجانب و غرب و شرق قطع کنیم. اگر ما بخواهیم که مملکتان یک مملکت مستقل آزاد مال خودمان باشد، باید در این اموری که مربوط به اقتصاد است، مربوط به فرهنگ است، مربوط به امور دیگر کشور است، خودمان فعالیت کنیم، و ننشینیم دیگران انجام بدهند. (خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۳۷۳)

جلوگیری از گسترش ظلم و فساد

جمهوری اسلامی ایران از روز نخست خود را ظلم‌ستیز و فساد ستیز معرفی کرده است. این شعار که یکی از راهبردهای بنیادین در حوزه دفاع است، ماهیتی قرآنی دارد چنانکه از بطن قاعده قرآنی «نفی سبیل» برمی‌آید. توضیح آنکه در فرهنگ قرآنی یکی از اهداف دشمنان خدا، گسترش فساد (مأنده (۵): ۶۴) معرفی شده است. از سویی خداوند اعلام داشته است که ظالمان (آل عمران (۳): ۵۷) و فاسدان (قصص (۲۸): ۷۷) را دوست ندارد. به همین دلیل قرآن کریم به مؤمنان دستور می‌دهد برای جلوگیری از گسترش ظلم و فساد، از دوستی با دشمنان خدا پرهیز کنند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مأنده (۵): ۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید.

بر اساس این آیه، آنگاه که قرآن عدم جواز دوستی و تقرب به دشمنان را صادر کرده، به تبع، پذیرش سلطه و سبیل آنان را نیز جایز نمی‌داند از این رو، قرآن کریم به کسانی که شریعت الهی را پذیرفته‌اند، دستور داده است از پیمودن مسیر دشمنان خدا پرهیز کنند. (جاثیه (۴۵): ۱۸). قرآن

کریم علت عدم تبعیت از مشرکان را جلوگیری از فتنه و فساد می‌داند. از این رو، به مؤمنان هشدار می‌دهد که اگر دستور عدم تبعیت از مسیر کافران را گوش ندهند، در زمین فتنه و فساد بزرگی، به وجود می‌آید. (انفال (۸): ۷۳). مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان در این باره می‌نویسد: کافران با اشاعه فساد و فحشا به ناهنجاری‌های جامعه دامن زده، باعث انحراف جامعه اسلامی از ارزش‌های اصیل دینی می‌شوند. چه فتنه و فساد از این بالاتر که خطوط پیروزی شما محو گردد و دسیسه‌های دشمنان در جامعه شما کارگر شود و نقشه‌های شوم کافران برای برانداختن آئین حق و عدالت قوت بگیرد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۳۱۸)

احیاء اسلام ناب

احیاء و اجرا اسلام ناب، یکی دیگر از اهداف نظام جمهوری اسلامی است. از ابتدای پیروزی انقلاب، دشمن همواره سعی داشته است بانفوذ عقاید باطل، دین اصیل را به انحراف بکشاند. گسترش عقاید باطل آن‌چنان است که دین به‌ظاهر از درون جامعه طرد نشده، اما به‌واقع فقط پوسته‌ای از آن نمایش داده می‌شود. به عبارت دیگر به جای اسلام ناب، اسلام انحرافی جایگزین می‌شود. خطر انحراف مسلمانان از اسلام ناب محمدی، همواره از سوی دشمنان دین و نیز عوامل پیدا و پنهان آنان وجود داشته است. آنچه این خطر را عمیق‌تر و اجرایی‌تر می‌کند، پیمودن سبیل دشمنان و پذیرفتن تسلط آنان بر جامعه اسلامی است. این در حالی است که خداوند وعده داده است که دین حق و اصیل خود را پیروز گرداند. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه (۹): ۳۳) او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند. منظور از عبارت «دین حق» دین اسلام و عقاید و احکام اصیل آن است که باید حفظ شود. از این آیه به دست می‌آید که مسلمانان باید تلاش کنند تا تمامی راه‌های نفوذ دشمن برای خاموش کردن دین الهی را مسدود کنند. آن‌چنان که قاعده قرآنی «نفی سبیل» همین معنا را می‌دهد. چرا که خدای تعالی خواسته است دین اسلام در عالم بشریت انتشار یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۲۴۷ و ۲۵۵) و معلوم است که چنین امر مهمی با پذیرش سلطه کافران سازگار نیست. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته‌اند. ... راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. (خمینی(ره)، ۱۳۸۹، جلد ۲۱، ص ۱۲۰)

نتیجه‌گیری

از مطالب این پژوهش، کاربست وسیع قاعده «نفی سبیل» را در عرصه دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران آشکار گردید. بدان معنا که قاعده «نفی سبیل» به لحاظ کاربرد در طیف وسیعی از حوزه‌های مختلف اجتماعی همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قابلیت اجرا مؤثر دارد. همچنین به لحاظ کارکرد، دارای نتایج مفیدی است که تأمین‌کننده سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران است. برخی از این نتایج عبارت‌اند از گسترش توحید، صیانت از احکام دین، دفاع از آزادی، حفظ استقلال و جلوگیری از ظلم.

برداشت نهایی نویسنده از این قاعده قرآنی آن است که حکومت اسلامی هیچ‌گاه نباید به گونه‌ای عمل کند که تحت سلطه و سیل دشمن قرار گیرد. در این مسیر، ایجاد قدرت بازدارندگی و رسیدن به حکومتی مقتدر در همه عرصه‌های حکمرانی، پیام اصلی قاعده «نفی سبیل» است. از سویی دیپلماسی قوی، اقتصاد مقاومتی، رشد فرهنگی در قالب ترویج سبک زندگی اسلامی و تجهیز نیروهای مسلح در حوزه‌های آموزش نیرو، افزایش توان رزم و دستیابی به سلاح‌های مدرن از جمله نتایج این پژوهش است که توجه مسئولان کشوری و لشکری را می‌طلبد.

به دلیل گستره «قواعد قرآنی» در ساحت‌های مختلف زندگی بشر، به‌ویژه در ساحت دفاع از دین است، و نیز به دلیل مجال کم، این قلم نتوانسته به تمام ابعاد موضوع بپردازد؛ اما ضروری است، مسئولان، متولیان، دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان حوزه دفاعی، به بسترسازی برای اشاعه

گفتمان‌های قرآنی و چگونگی به کارگیری قواعد قرآن در ساختارهای مختلف حکومتی اهتمام داشته باشند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق) من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، بیروت دار صادر.
- ارجینی، حسین، (زمستان ۱۳۸۶) نفی سلطه‌پذیری در سیاست خارجی دولت اسلامی، فصلنامه فقه و اصول، شماره ۳، از ۱۴۹ تا ۱۶۸.
- اصفهان‌ی (فاضل هندی)، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ق) کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، (۱۴۱۹ ق) القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ ق) الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین.
- حقی بروسوی، اسماعیل، (بی تا) تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.
- حلی (محقق)، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، (۱۴۰۷ ق) المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی (ره)، سید روح الله، تحریر الوسیله، (۱۳۹۲) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (ره)، سید روح الله موسوی، (۱۳۸۹) صحیفه امام (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (ره)، سید روح الله موسوی، (۱۴۲۱ ق) کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داستانی بیرکی، علی، (۱۳۸۱) سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- رحمانی، محمد، (۱۴۲۴ ق) نفی السبیل منهج فی الاستقلال و مقاومه الهیمنه، دو فصلنامه فقه اهل‌البيت (عربی)، سال هشتم، شماره ۳۲، از ۱۶۷ تا ۱۹۶.
- رضائی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۹) قواعد قرآنی، قم، دارالمبلغین.
- زبیدی واسطی، محب الدین، (۱۴۱۴ ق) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

- سبحانی فرد، محمدجواد و دیگران، (۱۳۹۳) اندیشه‌های دفاعی از منظر مقام معظم رهبری، تهران، دانشگاه افسری امام علی(ع).
- سیدنژاد، سید رضی، بخشیان، ابوالقاسم، قواعد قرآنی با تاکید بر جهاد تبیین، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، ۱۴۰۰، ص ۹.
- شریف رضی، (۱۳۸۸) محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، قم، دار العرفان.
- شکوری، ابوالفضل، (۱۳۶۷) فقه سیاسی اسلام، قم، ستاد بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت مدرس.
- صرّامی، سیف الله، (زمستان ۱۳۸۲) جایگاه قاعده «نفی سبیل» در سیاست‌های کلان نظام اسلامی، ص ۹۹، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۹۷ تا ۱۱۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵) تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ ق) مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ق) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم کتابفروشی دآوری.
- عطار، داوود، (۱۳۷۵) دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، ترجمه ی اکبر غفوری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۸) قواعد فقه، بخش حقوق عمومی، تهران، انتشارات سمت.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۴۲۱ ق) فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فتحی، محمد؛ کوهی اصفهانی، کاظم، (۱۳۹۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شورای نگهبان (پژوهشکده شورای نگهبان).
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱) قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قیصری، نورالله و احسان خضری (۱۳۹۵)، سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۵۷-۷۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶) تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفی، ابراهیم و دیگران، (۱۴۲۵ ق) معجم الوسیط، قاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲) مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ ق) دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.
ملتی، علیرضا و دیگران، (پاییز ۱۴۰۰) بررسی نفوذ فرهنگی دشمنان انقلاب اسلامی از مسیر ورزش های غیر همسو با ارزش های دینی با تکیه بر قاعده نفی سبیل، فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳، شماره پیاپی (۳۸)، از ۱۳۱ تا ۱۴۶.

مهاجر نیا، محسن، (۱۳۹۴) اندیشه دفاعی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
منابع اینترنتی

خامنه ای (مدظله)، سید علی، پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=48289>
۲۸ تیر ۱۴۰۰

خامنه ای (مدظله)، سید علی، بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089>
۳۱ خرداد ۱۳۶۶.

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034>
۱۲ آبان ۱۳۸۲

خامنه ای (مدظله)، سید علی، سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45426>
۲ اردیبهشت ۱۳۹۹

<https://www.tademam.ir>

خامنه ای (مد ظله)، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19402>
۴ مهر ۱۳۸۷

خامنه ای (مد ظله)، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، قابل مشاهده در :
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>
۲۱ مرداد ۱۳۷۱

خامنه ای (مدظله)، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، قابل مشاهده در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/536>
۱۳۷۰/۴/۱۸

